

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: عمران خان

برگردان از: صبا راهی

۲۶ اکتوبر ۲۰۱۱

## پایان ستایش قذافی!

### دوروی

این یک واژه مقتدر است و مردم زیادی را به حالت دفاعی وادار می کند، اما، آیا واژه دیگری وجود دارد که توصیف گر این باشد که مردم لیبیا در سالهای قبل از انقلاب، غرب چگونه با آنها رفتار می کرد؟ مشاهده سخنان جدی زمامداران دنیا در باره مرگ سرهنگ معمر قذافی، که جلوی دوربینها مراقبتند تا نگاه کینه توزانه ای نداشته باشند، تجربه ای است که چشم را باز می کند!

کشور هائی که به صف شده اند که به مردم لیبیا تبریک بگویند همان کشور هائی هستند که قذافی را حمایت می کردند، به او امتیاز می دادند و تاکتیک های نادرست او را در محروم سازی مردمش برای یک دلیل ساده نادیده می گرفتند. آن دلیل ساده منافع آنها بود.

امروز، ممکن است برای هر کسی خبر بزرگ و دست اولی نباشد، ولی این ارزش را دارد تا معترف بود که چگونه غرب از دلداگی خود به رهبر لیبیا عقب نشینی کرد.

بریتانیا اولین کشور این اتحاد بود. موسی کوسا، رئیس سرویس اطلاعاتی لیبیا شروع به مذاکره با تیم امریکائی – انگلیسی، شامل سی آی ای و ام آی شس، می کند.

درست بعد از حمله به عراق بود و قذافی می دانست برای این که بماند مجبور است که با توپ بازی کند.

و بازی که او کرد.

او برنامه اتمی را که وجود نداشت، کنار گذاشت؛ تلویحاً پذیرفت که بمبگذاری لاکي بای the Lockerbie کار لیبیا بوده و حتی فراتر از این همه رفت و حکم دستگیری رهبر القاعده اسامه بن لادن را هم صادر کرد.

و ابلهانه، اعلام کرد، که بن لادن در آن موقع " تحت تعقیب ترین مرد" در دنیا می باشد، بلاهتی که در موضع گیری های بین المللی هر روز، او خود را نشان می داد.

## به سادگی تخیلی

بعد تونی بلر، نخست وزیر انگلیس، شخصاً او را ملاقات می کند، زمامدار انگلیسی، خشنود از نقش او در صحنه جهانی، در سایه چادر صحرائی نشست و تمام مدت ملاقات را لبخند زد، به صورتی که وقتی در صفحه تلویزیون دیده می شد به سادگی تخیلی به نظر می رسید.

به هر رو لبخند بسیار واقعی بود. یک سال بعد بریتانیا تحریم را برداشت و قذافی یکی از اعضای کلوپ شد، یک تبعیدی بین المللی که حق پیوستن به گروه را نداشت، رهبر شد.

چند وقت بعد در همانسال جرج بوش نیز بنای مجدد روابط دیپلماتیک با لیبیا را از سر گرفت. در این زمان مردم لیبیا تحت فشار از جانب رژیم بودند؛ ورود خبرنگاران خارجی به لیبیا متوقف شد، و خانواده قذافی ثروت لیبیا را به سرعت به تاراج می برد.

اما چنین چیزهایی ظاهراً از نظر غرب واقعا اهمیتی ندارد. مطمئناً، آنها گاهی در انتظار عمومی با سرهنگ به تندی برخورد می کردند اما در خلوت او موقعیتی برای پیدا کردن طلا بود.

## لیبیا نفت دارد و قذافی اکنون یک دوست است.

در سال ۲۰۰۸ قذافی وزیر خارجه وقت امریکا، کندولیزا رایس، را پذیرا شد. این دفعه از خیمه خبری نبود، ولی رهبر لیبیا به طرز مشهوری شیفته رایس بود. به میزانی که وقتی شورشیان وارد اقامت گاه او در تروپلی شدند عکسهایی از خانم رایس پیدا کردند.

ستایش گری غلو آمیز از یکدیگر، به نظر می رسید اکنون پُر از شکوفه است.

بعداً در همان سال، قذافی از امریکا دیدن می کند و برای اولین بار شورای امنیت سازمان ملل را مورد خطاب قرار می دهد. او بناء بود که پانزده دقیقه صحبت کند؛ که اینکار به یک ساعت و نیم کشید.

در مابین سخنرانی همان روز او اتهاماتی وجود داشت که می گفت شورای امنیت سازمان ملل تروریست هستند به علاوه مطالبه هفت بلیون دلار امریکا از کشورهای اروپائی به کشورهای افریقائی به عنوان تنبیه استعمار کردن آن کشورها داشت.

حال که هر دو این موضوعات قبلاً مطرح شده اند. شاهدان عینی و علمای علمی به تناوب در باره اصلاحات در شورای امنیت سازمان ملل حرف زده اند، به علاوه عده ای هم در باره پرداخت غرامت از طرف اروپا برای ساختن افریقا صحبت به میان آورده اند.

یک مذاکره معقول، درست فکر شده می توانست در جهت ارتقاء پیدا کردن پیش رود.

چنین به نظر می رسد که سرهنگ توجهی به چنین موضوعات بررسی شده نداشت و به سادگی برافروخته می شد و در حالت آشفتگی فکری حرفهای بی ربطی می زد که کسانی که شاهد بودند امروز آن را به خاطر می آورند، نه برای سخنوری او، بلکه برای بی پروائی کامل او و قابلیت مسخره آمیز.

اما مهم نبود وقتی قذافی در صحنه جهانی بود همانطور که هیچ چیز تصویر او را لکه دار نمی کرد. در اصل انتظار بهتر از اینها را باید داشت.

در سال ۲۰۱۰ ایتالیا این مرد را برای یک بازدید کشوری دعوت کرد. ملبس شده در یونیفرم نظامی با تمام نشان ها و زرق و برقهایش او با سیاستمداران ایتالیائی خوش و بش کرد به علاوه به وسیله کشوری که به رژیم لیبیا ۵ بلیون دلار امریکا غرامت برای طرحهای استعماری پرداخت نمود نیز مورد ستایش قرار گرفت.

اما آن ۵ بلیون دلار امریکا یک تغییر کوچک برای کشوری بود که به سرعت طرف معامله تجاری قذافی قرار می گرفت.

### مشت آهنین

با در نظر گرفتن تمام اینها، چرخیدن غرب به روی این دیکتاتور به همان دلیلی چرخیدن به روی تمام دیکتاتور ها می باشد. بسیار ساده تر است که با مردی که با مشت آهنی حکمفرمایی می کند طرف بود تا یک جوجه آشفته دموکراسی در یک سرزمین سرشار از منابع اما خزانه مالی بدون نقدینگی.

آن چیزی که غرب آن را ملاک قرار می دهد که چه کسی دوست است و چه کسی دوست نیست، چیزی است که به شدت واضح است.

چیزی که کم واضح است این است که اکنون واکنش غرب چه خواهد بود که بال قوی آن رهبران خوش مشرب مثل بالهای پشه در حال ضعیف شدن و سقوط است.

در لایه بیرونی واژه های "دموکراسی" که در مورد آن حرافی به صورت کسل آوری "خواسته مردم" انگاشته می شود در حال فروریختن هستند مانند مانا، غذائی که از بهشت دموکراتیک برای موسی و قومش ریخته می شد تا از مُردن آنها در کویر بر اثر گرسنگی جلوگیری کند.

موضوع این است

غرب وقتی که قذافی پایش را فراتر گذاشت و تهدید کرد که مردم خود را بمباران می کند مجبور شد واکنش نشان دهد. شما حتما امیدوارید در یک موقعیت مشابه مجدد واکنش نشان می دهد. در سوریه بشار الاسد تا به امروز بیش از ۳،۰۰۰ نفر از مردم را به قتل رسانیده است، هنوز فرمان یک حمله هوایی صادر نشده؛ حتی یک رهبر غربی نشانی از مخالفت با او نشان نداده است.

سوریه دوستان نیرومندی دارد که مصممند واکنش نشان ندهند.

هیچکس نمی خواهد در یک کشور عربی دیگری اتفاق بیفتد، ولی تفاوت رفتار غربی ها نسبت به سوریه و لیبیا نفس را در سینه تنگ می کند.

مثل همان چیزی که در ابتداء این نوشته گفتم. دو روئی. اگر بنا باشد یک دیکتاتور را حمایت کنند یا سرنگون کنند، دو روئی یک واژه نیرومندی است.

نویسنده: عمران خان

مترجم: صبا راهی

بیست و چهارم اکتبر ۲۰۱۱

### یادداشت مترجم:

ترجمه این نوشته به معنی تأیید کلیه نظرات نویسنده آن نیست، هدف از ترجمه این نوشته به تصویر کشیدن گوشه ای از دو روئی دول غربی می باشد که جوانان ایرانی لازم است هر چه بیشتر نسبت به آن شناخت پیدا کنند. به نظر این قلم اگر بنا باشد مجسمه ای از سمبل دو روئی ساخت و در موزه تاریخ قرار داد امپریالیسم مکار انگلیس شایسته ترین مقام را دارا می باشد! انگلیسی که ملا خاتمی مکار را که در بقای منافع انگلیس با وعده های روباه صفتانه خود مبارزات زحمتکش را در ایران به عقب راند، به دریافت مدال "چتم هاوس" انگلیس می رساند! تاریخ

همواره مملو از دورویی این روباه مکار استعمارگر است که بزرگترین تخصص وی پرورش و تعلیم جاسوس برای رسیدن به اهداف پلید خود است، می باشد!

دو روئی که یکی از خصایل ویژه دول غربی نیز می باشد مرض طبقاتی است بسیار مُسری! طبقه غارتگر مدام از سر و کول طبقه ستمدیده بالا می رود تا اهداف پلید خود را پیاده کند، استثمار، استعمار همراه با جنایات متعدد و مداوم از جمله این اهداف پلید هستند و خادمین بورژوازی نیز به مرض مسری دو روئی مبتلا هستند!

به طور مثال اومانیت های صرفی که روز دهم اکتبر را روز "جهانی لغو اعدام" در بوقهایشان دمیدند و هرگز هم نمی گویند "لغو اعدام چه کسی"؟ استثمارگر یا استثمار شونده؟ لغو اعدام جنایتکاری که زمینه ها و ریشه های جرم و دورغ را در جامعه به وجود می آورد یا محرومی که بر اثر تنگناهای اقتصادی دست به دزدی و جرائم می زند؟ اینان برای نمایش "رسانه ای" و جلب توجه پادوهای غرب در کشورهای مختلف علم و کُتل هوا کردند، امروز "اومانیسیم" شان در مقابل ترور وحشیانه و غیر عادلانه قذافی توسط مزدوران سی آی ای سکوت قبرستان اختیار کرده اند! سکوت این هوچی گران چیزی نیست مگر تأیید مواضع جنایتکارانه امپریالیستها! همانطور که این جماعت پروامپریالیست اسرائیل تروریست پیشه را به رسمیت شناختند و رهبر اومانیت آنها از حمله ارتش وحشی امپریالیستها به افغانستان حمایت کرد، امروز هم برای ادامه خط چاکری خود به منافع "غرب" در مورد ترور وحشیانه قذافی سکوت اختیار می کنند همانطور که در پاسخ به ترور بن لادن توسط سی آی ای هورا کشیدند که "جهان از شر بن لادن خلاص شد"! این جماعت ریاکار و دو رو که پشت اسم کارگر و کمونیسم چهره ضدکارگری خود را پنهان کرده اند به هیچ وجه برای طبقه کارگر و جنبش زنان در ایران قابل اعتماد نیستند!

مرگ بر امپریالیسم و رژیم سر مایه داری اسلامی وابسته به آن و نیز تمام خادمین ریز و درشت و رنگارنگ آن تحت هر لوا و اسمی.

زنده باد انقلاب و مجازات شایسته اعدام انقلابی جنایتکاران و خادمین امپریالیستها در دادگاه های خلقی در ایران و نه دادگاه های فرمایشی بین المللی که قوانین "عادلانه" آنها هدفی جز طولانی تر کردن عمر سرمایه داری جهانی را دنبال نمی کنند!

لینک مطلب پایان ستایش قذافی به انگلیسی

<http://blogs.aljazeera.net/africa/2011/10/21/gaddafi-love-ends>